

دلالت‌شناسی عناوین در رمان «عتبة الألم» اثر حسن سامی یوسف

چکیده

عنوان یکی از بخش‌های اصلی متون مختلف است که جایگاه مهمی در ثبات موضوعیت یک اثر دارا است. عنوان جنسی ادبی بوده که محدود به واژگان نمی‌باشد و در دوره معاصر، نویسندگان به عنوان اهمیت بیشتری نسبت به دوره‌های گذشته داده‌اند و به وسیله **چنین تکنیک ادبی توانسته‌اند** خلاقیت خود را شکوفا کنند و دانشی به نام «عنوان پژوهی» خلق کنند. رمان «عتبة الألم» اثر حسین سامی یوسف با موضوع اجتماعی-سیاسی یکی از رمان‌های دوره معاصر است که نویسنده با استفاده از عناوین مختلف، باعث ایجاد فصل‌های متعدد شده و بدین وسیله سیر روایی مورد نظر خود را به وجود آورده است. این جستار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر تحلیل معنایی و ساختاری عناوین اصلی و فرعی رمان «عتبة الألم» علاوه بر بررسی اثر گذاری دلالت‌های عنوان بر ایجاد فضای روایی رمان مذکور، به دنبال واکاوی هدف نویسنده بوده است. نتایج برآمده نشان‌دهنده تنوع ساختاری عناوین فصول بوده که نویسنده با استفاده از عناوین تک واژه‌ای، ترکیبی و جمله گونه به دنبال حاکمیت موضوع روایی از ابتدای هر فصل بوده و استفاده از عناوین متعدد باعث شده تا مخاطب در هر فصل با توجه به عنوان به کلیت محتوایی فصل پی برده و از سردرگمی‌های پدید آید.

کلیدواژه‌ها: عنوان پژوهی، ادبیات معاصر عرب، «حسن سامی یوسف»، «عتبة الألم».

مقدمه

اولین بخشی که مخاطب در رویارویی با اثری ادبی با آن مواجه می‌شود، عنوان آن اثر است. با توجه به اینکه عنوان درگاه ورود به یک اثر است، بنابراین ارتباط تنگاتنگی میان عنوان و مفاهیم، فضا، شخصیت‌ها و سایر عناصر داستان وجود دارد. گاهی اوقات نویسنده با استفاده از عناوین مختلف ذهن مخاطب را به چالش کشیده و باعث به وجود آمدن ابهام‌هایی می‌شود که او را به خوانشی بدیع از متن سوق می‌دهد. (چندلر، ۱۳۸۷: ۵۶)

سیر تطور عنوان‌گزینی نشان می‌دهد ادبا در گذشته به تکلف و تصنع در انتخاب عناوین توجه داشته‌اند؛ اما امروزه نویسندگان به ویژگی‌هایی مانند سادگی، ایجاز و مفهوم توجه داشته‌اند و از آن به عنوان شناسنامه و هویت اثر یاد کرده‌اند. در زبان عربی از گذشته به مقوله زبان توجه اندکی شده و بسیاری از نظریه‌پردازان،

عنوان را معرفی کننده کتاب دانسته‌اند. (الحارثی، بیتا: ۷) پژوهشگران دوره معاصر پارا فراتر از گذشتگان خود گذاشته‌اند و آنچه را که از توجه گذشتگان مغفول مانده را مورد تحلیل قرار داده‌اند و عنوان را از موضوعی حاشیه‌ای به موضوعی اصلی تبدیل کرده‌اند. در همین راستان، در دوره معاصر عنوان تنها الفاظی به منظور نامگذاری کتاب نبوده و آن را ماده‌ای برای تحلیل کتاب دانسته‌اند. به همین دلیل پرداختن به عنوان آثار ادبی موضوعی ضروری و لازم بوده و تحلیل آن راهگشای فهم بسیاری از تکنیک‌های نویسندگی و جهان‌بینی نویسنده اثر بوده است. به همین منظور در این جستار، نگارندگان در تلاش هستند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مبانی دانش عنوان پژوهی، عناوین اصلی و فرعی رمان «عتبة الألم» حسن سامی یوسف را که به بررسی اوضاع و معضلات حاکم بر کشورهای عربی به ویژه فلسطین و کشورهای همجوار پرداخته را مورد کنکاش قرار داده و رابطه عنوان و متن اصلی را کشف کنند. بدین منظور این پژوهش در راستای دو سؤال اساسی زیر صورت گرفته است:

- ۱- هدف نویسنده از انتخاب عناوین دوگانه به منظور نامگذاری فصول رمان «عتبة الألم» چه بوده است؟
- ۲- متن رمان تا چه اندازه با عناوین همخوانی داشته و نویسنده تا چه حد توانسته نیت و هدف خود را در عناوین بیان کند؟

فرضیات نگارنده در پاسخ به سؤالات فوق بر این دو نگاره استوار است:

- ۱- هدف اصلی نویسنده در انتخاب عناوین دوگانه را می‌توان ایجاد فضای سینماتیک در ارائه حوادث روایی دانست.
- ۲- با توجه به یکسان نبودن ساختارهای عناوین، چنین بنظر می‌رسد نویسنده محتوای فصل‌های مختلف را بر اساس عنوان بیان کرده و تنوع ساختاری دلیلی بر هدفمند بودن آن است.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران داخلی و خارجی پژوهش‌های فراوانی در زبان عربی و فارسی پیرامون عنوان پژوهی آثار روایی به نگارش درآورده‌اند که در ادامه می‌توان به تعدادی از آنها اشاره کرد:

محمد عبدالوهاب در کتاب «ثريا النص: مدخل لدراسة العنوان القصصی» (۱۹۹۵) به بررسی جایگاه عنوان در متون داستانی پرداخته و پس از بررسی عنوان چند داستان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته است.

جمیل الحمداوی در کتاب «مقاربة العنوان في الشعر العربي الحديث» (۱۹۹۶) به زیبایی شناختی عنوان و اثر آن در ارائه مفاهیم شعری به مخاطب پرداخته است.

بهنام فارسی و علی صیادانی در مقاله «نشانه‌شناسی عناوین رمان سه گانه نجیب محفوظ» (۱۳۹۵) با رویکرد نشانه‌شناسی و به منظور شناخت هدف نویسنده به بررسی عناوین سه رمان (بین‌القصرین، قصر الشوق و /السكریه) پرداخته‌اند و دریابان به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از نام محله‌های مصر (قاهره) به منظور مبارزه با استبداد بوده است.

محمود بشیری و سمیه آقاجانی کلخوران در مقاله «بررسی تطبیقی «عنوان» در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های اُمّ سعد و دا» (۱۳۵) با رویکرد مقاومت به بررسی عناوین دو رمان ام سعد و دا پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو داستان دارای عنوان درون متنی بوده که عناوین رمان «ام سعد» با استفاده از عنوان مادر به سرزمین فلسطین اشاره داشته و رمان دا با استفاده از نماد مادر نتوانسته رسالت ایستایی خود را ادا کند.

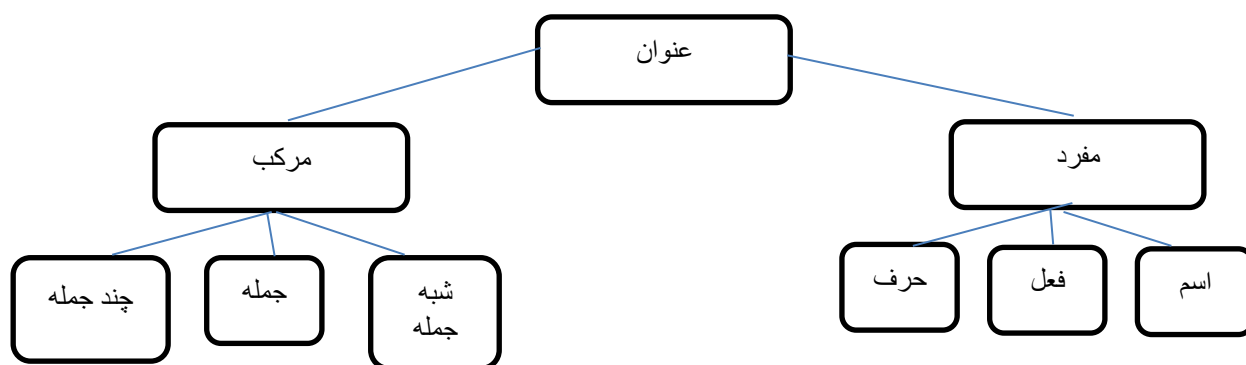
ابراهیم محمدی و همکاران در مقاله «تحلیل تطبیقی عنوان داستان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر» (۱۳۹۳) با استفاده از مبانی ادبیات تطبیقی به بررسی ارتباط عناوین داستانی با عناصر درون متنی و برون متنی پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده به دلیل آشنایی با علوم بلاغی توانسته مشکلات و شرایط دشوار مردم جامعه خود را در عنوان به تصویر کشاند.

چیستی عنوان و کارکرد آن

عنوان از نظر لغوی برگرفته از ریشه «عنن» و «عنا» بوده است. ابن منظور در کتاب لسان العرب این واژه را نمادی از یک کل دانسته و تلفظ «عنوان» و «عنوان» را برای آن برگزیده است. (ابن منظور، ۱۹۹۲، ج ۲: ۱۶۲) در معجم الوسیط نیز این واژه به معنای کلمه‌ای که ویژگی‌های کتاب را نشان می‌دهد بیان شده است. (الزیات و همکاران، بیتا: ج ۴: ۲۵۳) به طور کل، می‌توان بیان کرد فرهنگ واژه‌های مختلف این واژه را به معنای آشکار ساختن، علامت، اثر و در معرض نمایش قرار دادن دانسته‌اند. عنوان در اصطلاح ادبی «مجموعه نشانه‌های زبانی بوده که با حضور در ابتدای متن باعث مشخص شدن چارچوب متن، بیان هدف نویسنده و تحریک عامه مردم به منظور خواندن متن شده است.» (Hock، ۱۹۸۱: ۹۴) بدین منظور عنوان بر متن مقدم بوده و کلیدی است که مخاطب به وسیله آن به متن وارد می‌شود. گپرو سه کارکرد «نامگذاری، ساماندهی محتوا و اعتبار بخشی به متن را برای عنوان بیان کرده است.» (گپرو، ۱۳۸۷: ۱۸۴) با توجه به کارکردهای عنوان این نتیجه حاصل می‌شود که این ساختار ادبی آستانه مشرف بر داستان بوده که باعث ایجاد متنی موازی با متن اصلی شده و با توجه به اینکه عنوان دارای رمز و نشانه‌های مخفی است، می‌توان محرکی به منظور ایجاد حلقه داستانی از ابتدا دانست. مخاطب هنگام رویارویی با عناوین داستان می‌بایست نگاه چیستان به آن داشته باشد و آن را پایگاهی برای شروع داستان بداند.

عنوان پژوهی

عنوان گاهی نشانه‌هایی برگرفته از دنیای درونی و بیرون متن بوده که بررسی هر کدام از آنها باعث روشن شدن اثرگذاری عوامل درون و برون متنی در گزینش عناوین اصلی و فرعی داستان می‌شود. پس از دوره ساختارگرایی و توجه نظریه پردازان به عناصر ساختاری روایت، محققان به عنوان توجه کردند و با استفاده از عناصر علوم زبانشناسی، جامعه شناسی و روانشناسی به بررسی عناوین رمان ها با تکیه بر جنبه های مختلف آن پرداخته و آن را با توجه به معانی رمزگونه ای که دارد مورد تفسیر و تأویل قرار داده است. این اهتمام باعث شد علمی به نام عنوان کاوی به وجود آمده و عنوان را به جنس ادبی تبدیل کرد. زمانی که پژوهشگر و مخاطب بیانداشید که موضوع یک اثر ادبی چیست، عنوان به یاری او آمده و رابطه جدلی و تکاملی میان متن و عنوان باعث حضور عنصر ساختاری در داستان شده که قابلیت زیبایی شناختی و پژوهش را داشته و نسبت آن مانند نسبت سر به بدن دانسته اند. عنوان ویژگی‌های بیانی، زیبایی، معنایی و کارکردی داشته و یک عنوان می‌تواند بر اساس نمودار زیر مورد بررسی قرار گیرد (بوطیب، ۱۹۹۶: ۹۴):



سامی یوسف و رمان «عتبة الألم»

این نویسنده فلسطینی تبار در سال ۱۹۴۵ میلادی در روستای "لوبیا" از توابع شهر "قرب طبریه" به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۸ میلادی، خانواده او به همراه ۷۲۵ هزار فلسطینی دیگر از وطن خود خارج شده و به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. خانواده سامی یوسف در ابتدا به لبنان مهاجرت کرده و از آنجا به کشور سوریه منتقل شدند. تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی خود را در دمشق سپری کرد و پس از پایان دبیرستان، به گروه‌های تئاتر محلی دمشق پیوست و در آنجا به عنوان بازیگر ایفای نقش کرد. در سال ۱۹۶۷ و همزمان با شکست کشورهای عربی در جنگ شش روزه، با همکاری عده ای از جوانان فلسطینی گروهی را با عنوان تئاتر ملی فلسطین به راه انداختند و با ایجاد این گروه هنری توانستند نمایش های فراوانی را با موضوع دفاع، مقاومت و استقلال را در پایتخت کشورهای عربی اجرا کنند.

رمان «عتبة الألم» در سال ۲۰۱۶ توسط حسن سامی یوسف به رشته تحریر درآمد و انتشارات الفرات عهده‌دار چاپ آن شد. نویسنده نگارش این کتاب را درحالیکه به خاطر شرایط موجود در سرزمین‌های عربی ناراحت

بود آغاز کرد. این رمان همانند دفترچه خاطراتی است که سامی یوسف یادداشت های روزانه خود به ویژه شب‌هایی که در انتظار بازگشت برادرش در اردوگاه یرموک بوده را در این رمان بیان کرده است. این رمان دارای پنج دیدگاه و فصل‌های متعدد است که نویسنده با استفاده از ضمیر اول شخص به موضوعات پیش آمده در کشورهای عربی به ویژه فلسطین و سوریه پرداخته است. وی توانسته با قدرت نویسندگی خود، مانند یک تصویر بردار تلویزیونی حوادث رخ داده در اردوگاه یرموک که نماد سوریه می‌باشد طی پنج سال اقامتش را به تصویر بکشد. این اتفاقات با انفجار مهیب سوریه آغاز شده و به مسائل مهم دیگری مانند به آتش کشیدن اسناد اقامتی و هویتی فلسطینیان توسط سربازان رژیم اشغالگر می‌پردازد.

این نویسنده در رمان «عنبه/الأم» با استفاده از تجربه کارگردانی خود توانسته دوگونه عنوان در داستان به وجود آورد. در گونه اول با استفاده از پنج دیدگاه که با استفاده از اعداد ترتیبی آنها را بیان کرده است. در اولین دیدگاه، سامی یوسف تصویری از پاییز سال ۲۰۰۰ به نمایش کشیده که روزنامه‌نگاری در کشورهای عربی وارد مراحل جدیدی شده و روزنامه نگاران، به منظور اعتراض به کم کاری دولت در قبال انجام وظایف خود دست به اعتصاب زده‌اند تا با این کار دولت را در مقابل مدت زمان محدودی به منظور رفع این مشکلات قرار دهند. یکی از این روزنامه‌نگاران خود نویسنده بوده که در این دیدگاه باعث مشخص شدن زاویه دید داستان از نوع اول شخص شده است.

در دیدگاه دوم که در روزی بهاری در سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاده است، نویسنده در حال روایت اتفاقات روزمره زندگی خود در کنار خانواده‌اش بوده است. در این دیدگاه نویسنده با استفاده از تجربیات شخصی خود بهره برده و با ایجاد گفتگوهای غیرمستقیم میان خود و اطرافیان، نظرات آنان در مورد وطن را در متن داستانی خود بیان کرده است. نکته دیگری که در این دیدگاه مشخص است، تعریف نویسنده از وطن بوده که معتقد است وطن همان خانه بوده (ر.ک: سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۱۳).

سومین عنوانی که مربوط به گونه ابتدایی در رمان مطرح شده و نویسنده که چندین اثر فیلمنامه‌ای دارد، با استفاده از این طریق توانسته فضای داستانی خود را با به تصویر کشیدن روزی بهاری در سال ۲۰۰۲ به مخاطب عرضه کرده است. در این دیدگاه، نویسنده همانند دیدگاه‌های گذشته به وسیله تجربیات خود از ماجراهای حاکم بر فضای کشورهای عربی و به ویژه فلسطین را بیان کند.

در دیدگاه چهارم، نویسنده با ارئه تصویری گسترده از عناصر چهار فصل سال استفاده کرده و داستان روزمره خود را در این دیدگاه با رفتن به خارج از خانه و توصیف فضای عربی آغاز کرده است. اما تداوم زمانی در دیدگاه پنجم از بین رفته و زمانی که نویسنده (راوی) در سال ۲۰۱۰ در حال بازگشت به دمشق بوده این دیدگاه آغاز شده است. در این قسمت عناوین گونه اول که به منظور فضاسازی روایت و تعیین دیدگاه کلی رمان بوده به پایان رسیده و عناوین آتی این رمان از نظر دلالتی، معنایی، نحوی و نشانه شناسی دارای اهمیت است.

عنوان اصلی رمان

سطح لغوی و نحوی عنوان رمان

عنوان رمان (عتبة/الأم) ترکیبی اضافی می‌باشد که تشکیل شده از مضاف (عتبة) و مضاف الیه (الأم) است. با توجه به موضوع رمان که نویسنده (سامی یوسف) با استفاده از تجربیات خود زندگی روزمره اهالی اردوگاه‌های فلسطینیان در دوره معاصر را به تصویر کشیده است استفاده از این عنوان به معنای «آستانه درد» می‌تواند باعث جهت‌گیری ذهن مخاطب و آماده سازی او به منظور ورود به متنی آکنده از درد، ویرانی و کشتار شود.

واژه «عتبة» در فرهنگ‌های لغت به معنای قطعه چوبی در جلوی در خانه بوده که درب را بر روی خود نگه می‌داشته و علاوه بر سهولت در باز و بسته شدن، امنیت آن افزایش یافته است. (ابن منظور، ۱۹۹۲، ج ۳: ۲۳۱) با توجه به معنای ارائه شده پیرامون این واژه، میتوان به جهان‌بینی نویسنده و شیوه نگرش او به موضوعات جاری در کشورهای عربی به ویژه فلسطین در دوره فعلی و حضور اشغالگران در این کشور پی برد. واژه دیگری که در عنوان اصلی رمان به چشم می‌خورد، واژه «الأم» می‌باشد. در فرهنگ‌های لغت این واژه به معنای «درد»، «اندوه فراوان» و «ناراحتی‌های جسمی و روحی» است. (فراهیدی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۲۳۷؛ ابن منظور، ۱۹۹۲، ج ۱: ۲۷۴) استفاده از این ترکیب در عنوان اصلی رمان، ضمن هماهنگی با موضوع رمان، باعث ایجاد فضای غم در بدو ورود مخاطب به این اثر شده است.

سطح معنایی عنوان اصلی

با توجه به مطالب ذکر شده در فوق، می‌توان دریافت استفاده از واژه عتبة در مرحله اول باعث القای نرسیدن و وارد نشدن به دوره ای است که هنوز دردمند و آزرده خاطر نشده است. این باور به وجود می‌آید که نویسنده خود را در آستانه ورود به دنیایی دانسته که سرشار از درد بوده است. به همین دلیل نزد مخاطب انتظار می‌رود نویسنده دوران پیش از گرفتار شدن کشورهای عربی را روایت کرده است. به همین دلیل این عنوان علاوه بر آماده سازی مخاطب، باعث ابهام زایی در ذهن او شده است. پس از درک عنوان توسط مخاطب، در ذهن او سوال و ابهام‌های گوناگونی به وجود می‌آید: ۱- چه کسی در آستانه درد است؟ ۲- منظور از درد چیست؟ به همین منظور مخاطب می‌بایست برای دریافت پاسخ سؤالات خود به متن مراجعه کند. مخاطب به محض ورود به رمان متوجه می‌شود چیزی که توجه او را بیش از هرچیز دیگر جلب می‌کند، روایت داستان توسط خود نویسنده بوده که اهل فلسطین بوده و در سوریه سکونت داشته بیان شده و از سوی دیگر هنگام گفتگوی این شخصیت با شخصیت‌های دیگر، متوجه می‌شود سایر افراد وضعیتی شبیه او دارند. این شباهت باعث شده فراگیری درد و نزدیک بودن به دردمندی در سراسر داستان را منعکس کرده است. این گستردگی باعث شده واژه «الأم» تمامی جامعه را در بر گرفته و در ابتدا خود نویسنده که روزنامه نگار بوده و بنابر موقعیت شغلی

خود می بایست تمامی حوادث جاری در کشور خود (جهان عرب) را با دقت نگاشته و به اطلاع دیگران برساند. زمانی که او با دیگران صحبت می کند، از مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه سخن می گوید.

برای مثال، در زمان برقراری تماس تلفنی با شخصیت «مختار صحنایا» ضمن ارائه اطلاعاتی پیرامون او، از جهان بینی این شخصیت در قبال موضوعات فرهنگی مانند فیلم و سریال صحبت کرده است. «قلْتُ له بعدَ أن بدأتُ أفهمُ شيئاً ما بنصحك توصفه بأنه بَيَّانٌ وَطَنِي واللي مُوقَّعين عليه خافينَ على الوطنِ لانو الوطنَ غالي عليهم ولأنهم أشخاصٌ وطنيين جدًّا» (سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۱۳) نویسنده بارها بر موضوع وطن و عرب بودن خود تأکید داشته و بارها از این مسأله به عنوان مبارزه با غرب گرایی و وطن پرستی بهره برده است: «هل نحنُ عربٌ؟ وإن كان الجوابُ: نعم، يطفو على سطحِ الأسئلةِ: هل أخوتنا العربُ عربٌ أيضاً؟ وإن كانَ الجوابُ نعم يأتي السؤالُ الباعثُ على الوجدِ» (همان: ۸۴) همانگونه که در این بند مشاهده می شود، نویسنده با سؤال از دیگران بابت اینکه آیا سایر افراد عرب هستند و یا تنها آنان (فلسطینیان) عرب هستند. بدین وسیله به حاکمان و سوداگران حکومت در سایر کشورهای عربی به زبان کنایه هشدار داده است که می بایست حس وطن پرستی آنان فعال شده و به همدلی و یاری یکدیگر بشتابند.

همچنین در ادامه گفتگو با این شخصیت نظر او را در مورد وطن پرسیده و مخاطب را در قبال نظر و باورهای مردمان قرار داده است. درد دیگری که نویسنده از آن به عنوان دردی فراگیر در جامعه نام برده، سوءاستفاده از موقعیت های سیاسی و اجتماعی به منظور رسیدن به اهداف شخصی می باشد: «المختارُ يَطلبُ مِنِّي أن أتواسطَ له بإحدى القضايا العالقة في وزارةِ المالية.» (همان: ۱۶).

در پایان بررسی معنایی عنوان رمان می توان به این نتیجه رسید که نویسنده با بیان معضلات اجتماعی در قالب دردهایی که اقشار مختلف جامعه به آن مبتلا هستند، سعی در ایجاد فضایی در راستای موضوع رمان (عتبة الألم) بوده و به این روش فضایی آمیخته از درد واقعیت حاکم بر کشورهای عربی و دلایل پسرفت آنان در دوره های اخیر در اثر خود ایجاد کرده است.

در ادامه بررسی عناوین رمان «عتبة الألم»، با توجه به اینکه این رمان از عناوین مختلفی به منظور فصل بندی داستان بهره برده است؛ بنابراین تحلیل اینگونه عناوین یکی از ملزومات این پژوهش بحساب می آید.

عناوین فصول رمان «عتبة الألم»

با مراجعه به رمان، ده فصل روایی یافت می شود که نویسنده با استفاده از عناوین مختلف مطالبی را ذیل آنها بیان کرده و به فراخور موضوع حاکم بر آن فصل، عنوانی را برگزیده است. در جدول زیر به بررسی عناوین به همراه موضوع حاکم بر هر فصل پرداخته و سپس تحلیل معنایی، نشانه شناسیک و ساختاری آنها پرداخته می شود:

عنوان	صفحه	موضوع فصل
سَرْدُ عِشْوَائِي لَشِبْه سِيرَةِ ذَاتِيَّة	۳۵	شهادت تعدادی از جوانان فلسطینی
عامر و لیلی	۴۱	ماجرای عشقی دو شخصیت عامر و لیلی
مدينة الأحلام	۷۷	دوگانگی میان شهر رویایی نویسنده و واقعیت
الأرق	۱۱۹	عزلت راوی
نظریات الدراما	۱۳۵	زندگی شخصی نویسنده (راوی)
هناء	۱۵۵	بیان زندگی شخصی به نام «هناء»
اللیل مع هناء	۱۶۱	همراهی راوی با شخصیت «هناء»
عتبة الألم	۱۸۵	بیان سختیهای فلسطینیان
الخاسر یکسب	۲۱۷	نمایش وضعیت کشورهای عربی
شکرا صدیقی عبد!	۳۰۵	نام‌های به شخصیت «عبد»

با توجه به عناوین فوق، از نظر ساختارشناسی با ترکیب‌های مختلفی روبرو هستیم. در این بین ترکیب‌های اضافی (مدينة الأحلام، نظریات الدراما و عتبة الألم)، جمله (شکراً صدیقی عبد!، الخاسر یکسب، اللیل مع هناء و سَرْدُ عِشْوَائِي لَشِبْه سِيرَةِ ذَاتِيَّة) و همچنین استفاده از اسامی خاص (عامر و لیلی و هناء) دیده می‌شود.

گوناگونی ساختار عناوین سبب شده رمان حالت گزارش نویسی و دفترچه ای برای ثبت خاطرات نویسنده به خود بگیرد. به همین منظور، نویسنده با استفاده از این تکنیک مخاطب را با چند شکل بودن و قاعده‌مند نبودن داستان آشنا کرده و ضمن جهت‌دهی ذهن مخاطب به سمت محتوای هر فصل، از موضوع، محتوا و شخصیت‌های مورد توجه هر فصل پرده‌برداری کرده است.

مخاطب در اولین فصل این رمان، با عنوان «سَرْدُ عِشْوَائِي لَشِبْه سِيرَةِ ذَاتِيَّة» روبرو می‌شود. حضور واژه (سرد) به معنای «روایت زندگی شخصی یا قسمتی از داستان» باعث شده مخاطب با داستانی شخصی یا روایتی داستانی روبرو شده و با توجه به اینکه عناوین قبلی این رمان دیدگاه‌های روایی را مشخص می‌کردند، بنابراین مخاطب اطمینان حاصل کرده که رمان از این فصل آغاز شده و قسمت‌های گذشته تنها به منظور آشنایی او با موقعیت داستانی بوده است. در این عنوان دو ترکیب وصفی (سَرْدُ عِشْوَائِي) و (سِيرَةِ ذَاتِيَّة) مشاهده می‌شود که نویسنده با استفاده از این ترکیب توانسته اولین فصل رمان را به خود اختصاص داده و مطالب در خور توجهی مانند صدور

حکم اعدام چند جوان فلسطینی، آگاهی مخاطب از آثار ادبی او «عندی ست روایات نَفَدَتْ جَمِيعَهَا مِنْ زَمَانٍ (صُدَرَتْ فِي تُونِس، الْقَاهِرَة، بَیروت، دَمَشق.. إِحْدَاهَا "فَتَاةُ الْقَمَرِ" تَحَوَّلَتْ إِلَى مُسَلْسَلٍ أَظْنَهُ أَصَابَ نَجَاحاً طَيِّباً: نِسَاءٌ صَغِيرَات..» (سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۳۶) و نوع نگرش راوی به جهان اطرافش «أنا ابنٌ مُحَيِّمٍ الیَرموک، لَسْتُ طَائِفِیاً، وَلَنْ أَكُونَ حَتَّى إِنْ قَائِمَةً أَصْدِقَائِي الْحَيَاتِیْنِ تَکَادُ تَخْلُو مِنْ أَبْنَاءِ الطَائِفَةِ الَّتِي جِئْتُ بِهَا إِلَى الدُّنْيَا.» (همان: ۳۹) مشاهده می شود.

در فصل دیگری از این رمان، عنوان «عمر و لیلی» به چشم می خورد. این عنوان تشکیل شده از دو اسم علم بوده که به صورت معطوف بیان شده است. با مشاهده قرار گیری اسم عمر در کنار اسم لیلی، ناخودآگاه ذهن مخاطب به سمت داستان های اساطیری می رود که پیرامون لیلی و مجنون بیان شده و سینه به سینه تا امروز در میان مردمان جوامع مختلف نقل شده است. در ادبیات به داستان لیلی و مجنون توجه بسیاری شده است. از مهم ترین دلایل این موضوع «آن است که نظریه پردازان این داستان را برای طرح و تبیین روابط انسان و خداوند مناسب دانسته اند. عشق لیلی و مجنون نماد و نمونه عشق پاک و بی آلاشی است که از هوای نفسانی به دور است.» (مزادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲) بنابراین، هدف نویسنده در استفاده از چنین ترکیبی، ایجاد فضایی عارفانه و عاشقانه در این فصل از رمان بوده تا همواره حضور عشق در میان مسائل سیاسی مانند جنگ و حضور در اردوگاه را به مخاطب ارائه کند. با مراجعه به متن داستان، مشاهده می شود نویسنده توصیف های مختلفی از شخصیتی به نام «ناتالی» که لیلی تنها نماد از این شخصیت بوده تا نویسنده بتواند او را در جایگاه معشوقه رویایی خود قرار دهد که قصد ازدواج با او داشته است: «كُنْتُ أَطْلُبُ الزَّوْجَ بِمَا كُلِّ الَّذِي عَرَضْتَهُ عَلَيَّهَا كَانِ الزَّوْجُ، وَكُلِّ الَّذِي قَدَّمْتَهُ لِي كَانَ الرِّفْضَ كَمَا نَبَدُو لِلْآخِرِينَ ثَنَائِيًّا جَمِلاً.» (سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۵۷) در این قسمت، راوی از میزان علاقه خود به لیلی ذهنی خود سخن گفته که همواره به دنبال راهی به منظور وصال و ازدواج با او بوده است.

«مَدِينَةُ الْأَحْلَامِ» عنوان فصل دیگر رمان «عَتَبَةُ الْأَلَمِ» بوده که ساختار آن از دو اسم تشکیل شده و باعث به وجود آمدن ترکیب اضافی شده است. واژه «مَدِينَةُ» در فرهنگ های لغت به معنای «شهر و محل زندگی افراد» بوده که با وجود واژه «احلام» به معنای «آرزوها و آنچه که انسان می طلبد» در کنار آن، عنوانی آرمانی به وجود آمده که نشان از فاصله واقعیت حاکم بر جامعه نویسنده و خواسته ها (مَدِينَةُ فَاضِلَةٍ) وی داشته است. وی با انجام مقایسه میان سطوح مختلف، به بررسی تفاوت ها پرداخته و میان واقعیت و ایده آل خود فاصله هایی ایجاد کرده است: «مَنْزِلِي لَيْسَ فَيْلًا. إِنَّهُ شَقَّةٌ فِي الطَّابِقِ الثَّالِثِ مِنْ بِنَاءِ حَجَرِي جَمِيلٍ يَتَأَلَّفُ مِنْ خَمْسِ طَبَقَاتٍ مَسَاحَتُهَا مِثْلُ مَرَبَعٍ أَوْ تُزِيدُ قَلِيلًا. الْمَنْزِلُ لَيْسَ مُتَرَفًّا» (همان: ۷۶) همچنین نویسنده در این فصل از وضعیت نابسامان اردوگاه آوارگان فلسطینی صحبت کرده است: «بَاتَ الْمُحَيِّمُ مَهْجُورًا مِنْ أَهْلِهِ. لَمْ يَبْقَ مِنَ الْعَائِلَةِ مُطَرَحُهُ الْجَمِيعِ نَزَحَ بِفَوْضَى، بِعِشْوَانِيَّةٍ.. طَحِينَ فِي الشُّوْكِ.. الْأَغْلَبِيَّةُ هَاجَرَتْ إِلَى الْمَهَانَةِ.» (همان: ۷۹)

عنوان فصل دیگر رمان «الأرق» می باشد. در واقع این واژه را می توان خبر برای مبتدای محذوف دانست. این واژه به معنای «حالت استرس و نگرانی شدید در خواب که در نهایت منجر به شب بیداری فردا می شود» (ابن

منظور، ۱۹۹۲، ج ۱: ۶۳) بوده است. با مراجعه به روایت موجود در این فصل، مشاهده می شود نویسنده خود را موجودی معرفی کرده که در شب زندگی کرده و ساعات زندگی خود را در زمانی که دیگران خواب هستند می گذراند: «يَقُولُونَ عَنِّي إِنِّي كَائِنٌ لَيْلِيَّ جَمِيعٌ مِنْ عَرَفَتِي، عَنْ قُرْبٍ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ يَنْعُتُنِي بِهَذِهِ الصِّفَةِ. أَنَا الَّذِي لَا يَنَامُ اللَّيْلُ» (سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۱۱۸) این جمله نمادین که توضیحی در مورد عنوان این فصل بوده باعث ابهام مخاطب می شود؛ چرا که این سؤال برای او پیش می آید که آیا این زندگی شبانه نمادی از اوضاع حاکم بر کشورهای عربی بوده و یا نویسنده زندگی خود را بیان کرده است؟ همزمان با پیشرفت روایت، نویسنده منظور خود را از شب بیداری بیان کرده است: «كُنْتُ أَقْضِي اللَّيْلَ غَالِبًا فِي أَحَدِ أَمْرَيْنِ: الْكِتَابَةُ (وَأَمَزَقْتُ فِي الصَّبَاحِ أَكْثَرَ الْوَرَقِ الَّذِي كَتَبْتُهُ فِي اللَّيْلِ)، أَوْ السَّهْرِ فِي دِمَشْقِ الْقَدِيمَةِ وَدِمَشْقِ الْقَدِيمَةِ هِيَ الْجَزْءُ الْمُفْضَلُ عِنْدِي مِنَ الْعَالَمِ.» (همان: ۱۱۹) بدین منظور، ابهام مخاطب در رویارویی با عنوان فصل و جمله توضیحی شب بیداری از بین رفته و در این قسمت متوجه شده منظور از بی خوابی های شبانه نویسنده، مربوط به زندگی شخصی او بوده و نه نمادی مربوط به اوضاع کشورهای عربی و فلسطین.

فصل دیگر این رمان، «نَظَرِيَّاتُ الدَّرَامَةِ» نام دارد. با توجه به ساختار این ترکیب در می یابیم این عنوان به صورت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) بیان شده است. این فصل با ارائه جزئیاتی مربوط به زندگی نویسنده آغاز شده است. در ابتدای فصل نویسنده از جدایی همسرش خبر داده است: «اتَّصَلْتُ بِي فَجَاءَهُ عَلَى الْمَوَابِلِ بَعْدَ طَلَاقِي مِنْ زَوْجَتِي الْأَخِيرَةِ بَزْمَنٍ يُمَكِّنُ اعْتِبَارَهُ قَصِيرًا» (همان: ۱۳۵). شروع این فصل با چنین جمله ای ارتباط عنوان و متن را نشان داده تا نویسنده با این کار توجه مخاطب را به عنوان فصل جلب کرده و در ادامه به شرح نظریات دراماتیکی پرداخته که ذیل عنوان فصل بیان کرده است. همچنین در ادامه وجه نامگذاری فصل بیان شده است: «تَذَكَّرْتُ أَيَّامَ الدِّرَاسَةِ فِي الْمَعْهَدِ الْعَالِيِّ لِلْسِينِمَا فِي مُوسْكُو. تَذَكَّرْتُ، عَلَى نَحْوِ خَاصٍ مَادَّةُ اسْمُهَا نَظَرِيَّاتُ الدَّرَامَةِ» (همان: ۱۳۸) همانطور که در این قسمت مشاهده می شود، نویسنده این عنوان را از آموخته های پیشین خود در مسکو برگرفته است. در واقع این اصطلاح «یکی از واحدهای درسی رشته سینما و تئاتر است که در بسیاری از کشورها مورد تدریس قرار می گیرد.» (کوک، ۱۳۹۹: ۱۷۶)

اسم علم (خاص) یکی از ساختارهایی است که نویسنده برای اسم گذاری عناوین رمان خود بهره برده است. با توجه به ساختار نحوی این واژه متوجه می شویم این عنوان همانند سایر عناوینی که به صورت اسم مورد استفاده واقع شده است خبر برای مبتدای محذوف است. هُنا در واقع به معنای «خوشبختی و شادمانی» بوده است. استفاده از چنین اسمی، باعث شک و تردید مخاطب شده است؛ چرا که مخاطب در ابتدای فصل نمی داند منظور نویسنده اسم علم بوده یا معنای (خوشحالی) آن بوده است. نویسنده در اولین جمله این فصل: «التَّقْيُّهُنَّ أَوَّلَ مَرَّةٍ فِي مَنْزِلِ أَحْمَدٍ» (سامی یوسف، ۲۰۱۴: ۱۵۵) این ابهام را از ذهن مخاطب زدوده و مشخص می کند منظور از این واژه اشاره به اسم شخص بوده است. نکته قابل توجه این است که نویسنده نکته خاصی در این فصل پیرامون این شخصیت مطرح نکرده و در فصل آتی با عنوان «اللَّيْلُ مَعَ هَنَاءَ» مطالب بیشتری در مورد این شخصیت و کنش داستانی او مطرح کرده است. در فصل «اللَّيْلُ مَعَ هَنَاءَ» نویسنده به روایت گفتگوی خود و

شخصیت هناء پرداخته و با استفاده از این روش (گفتگو) جهان‌بینی و نظرات شخصیت هناء را به مخاطب عرضه کرده و با ذکر اسامی شاعرانی مانند محمود درویش و نزار قبانی (ر.ک: همان: ۱۷۷) خاطرات گذران یک شب با هناء را بیان کرده است.

فصل «عتبة الألم» که با عنوان اصلی این رمان مطابقت داشته و بررسی ساختاری و محتوایی این رمان در گذشته انجام شد، در بردارنده احساس مبهم و سرگردانی نویسنده است: «مُشْكِلَتِي كَانَتْ مَعَ نَفْسِي، مَعَ خَوْفِي مَعَ إِحْسَاسِي الدَائِمِ بِأَنْ شَخْصٌ غَيْرَ مَرْغُوبٍ بِوُجُودِهِ فِي مَشْهَدِ الْآخِرِينَ، فَأَنَا الْمَبْهُودُ وَ الْمَبْصُوقُ فِي وَجْهِهِ» (همان: ۱۸۵) در این فصل، نویسنده پس از عبور از مراحل وسختی‌های مختلف اکنون به مرحله‌ای رسیده که با سختی‌های هموطنانش روبرو شده و با استفاده از روایت شخصیت‌های مختلف داستان، وضعیت حاکم بر جوامع مختلف را به مخاطب ارائه داده است. نکته دیگری که در این فصل وجود داشته و از نشانه‌های دردی است که مدنظر نویسنده بود، وجود انسان‌هایی نمادین بوده که در سطح کشورهای عربی در حال زندگی و رویارویی با معضلات متفاوت بوده‌اند.

یکی از ساختارهای بکاررفته در عناوین این رمان، استفاده از جمله اسمیه است. «الْخَاسِرُ يَكْسِبُ» که در بردارنده مبتدا و خبر بوده که نویسنده فصل را با تصویر سازی تصادف دو خودرو در یکی از خیابان‌های دمشق آغاز کرده و در ادامه با بیان مشکلاتی مانند نبود پلیس، تجمع خودروها و درگیری رانندگان در نظر دارد هرج و مرج دوران سخت حضور اشغالگران را به تصویر بکشد: «هَاجَ صَاحِبُ السَّيَّارَةِ وَمَاجَ.. بَجَمْعِ النَّاسِ.. رَاحُوا يُؤَاسُونَهُ.. لَمْ يَهْدَأْ.. لَمْ يَتْرَكُوا كَلِمَةً عَطْفٍ أَوْ تَعَاطُفٍ إِلَّا وَاسْتَخْدَمُوهَا.. بَلَا جَدْوَى.. تَعَطَّلَ الْمُرُورُ.. حَضَرَتِ الشَّرْطَةُ.. مُحَضَّرُ تَحْقِيقٍ هَرَجٌ مَرَجٌ.. شَتَائِمٌ مِنْ كُلِّ صِنْفٍ..» (همان: ۲۱۷) علاوه بر نشان دادن اوضاع آشفته، وی از گران شدن وسایل مختلف در این زمان نسبت به گذشته روایتی را بیان کرده است: «مِثَالُ آخِرٍ حَوْلَ التَّغْيِيرِ الْحَاصِلِ فِي الْأَسْعَارِ: غُلْبَةُ السَّجَائِرِ الَّتِي كُنْتُ أَشْتَرِيهَا سَابِقًا بِخَمْسِينَ لِيرَةً سَوْرِيَّةً صَارَتْ ثَمَنُهَا الْيَوْمَ أَرْبَعِمِئَةَ لِيرَةٍ» (همان: ۲۱۸) همانطور که در این عبارت مشخص است، نویسنده قیمت‌های زمان فعلی را با زمان پیش از حضور اشغالگران مقایسه کرده و وخامت اوضاع را به مخاطب عرضه کرده است.

آخرین فصل این رمان با عنوان «شكراً صديقي عبد» که دارای یک مفعول به (شکرا) برای فعل محذوف و اضافه الیه (صدیقی) و بدل (عبد) بوده، در بردارنده گره‌گشایی رمان و اطلاعات مهمی است که نویسنده به وسیله آنها داستان را به پایان رسانده و به جمع‌بندی نهایی رسیده است. این عنوان نویسنده در گفتگوی خود با دوستش (عبد) از رونمایی رمان خود خبر داده که همزمان با آن سریالی که فیلمنامه‌اش را نگاشته بود به مرحله پخش از شبکه‌های سوریه و فلسطین رسیده است. همچنین در پایان این فصل که صفحات انتهایی رمان است، نویسنده از اقامت طولانی مدت خود در خانه دوستش خبر داده است: «حَلَالَ إِقَامَتِي هُنَا فِي بَيْتِكَ صَارَ عِنْدِي أَصْدِقَاءٌ» (همان: ۳۰۶) با توجه به این متن، می‌توان دریافت اقامت طولانی مدت نویسنده فلسطینی

در کشور سوریه در خانه دوستش بوده و تمام این مدت که حوادث مختلف را روایت کرده، در این خانه حضور داشته است.

نتایج

پس از بررسی عناوین رمان «عتبة الألم» مشخص می‌گردد این رمان بر اساس تجربیات شخصی نویسنده روایت شده و با توجه به اینکه سامی یوسف در زمینه فیلمنامه‌نویسی فعال بوده، با استفاده از تکنیک‌های نمایشی، دیدگاه (زاویه دید) ایجاد کرده و با استفاده از دیدگاه‌های پندگانه، موقعیت‌های روایی مختلف خود را به مخاطب عرضه کرده است. عنوان اصلی رمان باعث ایجاد ابهام نزد مخاطب شده و به منظور فهمیدن آستانه درد، به پیگیری داستان و ارتباط حوادث آن با عنوان علاقمند می‌شود. همچنین منظور نویسنده از انتخاب اسم «عتبة الألم» اشاره به فراگیری درد در تمامی جنبه‌های کشورهای عربی به ویژه کشور فلسطین بوده است. بکارگیری واژه عتبه توسط نویسنده باعث ایجاد دو فضا شده و این ابهام نزد مخاطب پیش آمده که آیا نویسنده به صورت تطبیقی به جامعه خود نگریسته است یا خیر؟

استفاده از عناوین فرعی در این رمان باعث نظم دهی فصل‌های رمان شده و اینکار باعث ایجاد محدوده‌هایی مشخص برای نویسنده بوده که شخصیت‌های مختلف را بنابر موضوع هر کدام روایت کند. همچنین تنوع ساختارهای بکار رفته در انتخاب عناوین، باعث شده نویسنده به سادگی میان اسامی و جملات حرکت کرده و به فراخور حوادث، از ساختار مناسب بهره برده است. همچنین در بررسی ساختاری عناوین رمان مذکور مشاهده می‌گردد نویسنده در انتخاب عناوین به جملات توجه بیشتری داشته است و به ندرت از تک واژه‌ها در این زمینه استفاده کرده است. دلیل این کار را می‌توان ایجاد ابهام در ذهن مخاطب دانست؛ چرا که جمله توانایی بیشتری در ایجاد ابهام نسبت به واژه داشته و بدین ترتیب نویسنده با هوش خود فضایی برای مخاطب ایجاد کرده تا با مطالعه عنوان با حس و تمایل بیشتر حوادث و رویدادهای آن فصل را دنبال کند.

با توجه به زمان وقوع حوادث رمان، (۲۰۰۰-۲۰۱۴) نویسنده توالی حوادث رمان را بر اساس رخداد‌های طبیعی و به وسیله گفتگوی راوی با سایر شخصیت‌ها بیان کرده است. استفاده از عناوین مختلف باعث جهت‌دهی ذهن مخاطب شده تا بدین وسیله مخاطب پیش از ورود به فصل، از اتفاقات موجود در آن آگاه شده و با پیش ذهنیت و حدسی مختصر در مورد اتفاقات، به مطالعه آن فصل بپردازد. همچنین استفاده از اسامی اسطوره‌های ادبی جهان در عناوین، باعث شکل‌گیری موضوع آن فصل شده است.

کتابنامه

- ابن منظور، (۱۹۹۲)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
- بوطیب، جمال، (۱۹۹۶)، *العنوان فی الروایة المغربية، الدارز البیضاء: دار الثقافة*.
- چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات مهر.
- الحارثی، حمدان محسن عواض، (بی‌تا)، *العنوان فی النص الشعری الحدیث فی مملكة العربیة السعودیة*، رساله علمی، مکتبه الملك عبدالله بن عبدالعزيز.
- الزیات، احمد و همکاران، (د.ت)، *المعجم الوسیط*، بیروت: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
- سامی یوسف، حسن، (۲۰۱۴)، *روایة عتبة الألم*، دمشق: مکتبه الرمحی أحمد.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۹۹۵)، *معجم العین*، ط ۲، دمشق: دار ریاض للکتب و النشر.
- کوک، دیوید، (۱۳۹۹)، *تاریخ جامع سینمای جهان*، تهران: نشر چشمه.
- گیرو، پیپر، (۱۳۸۷)، *نشانه شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
- مزادی نژاد، سمیه و همکاران، (۱۳۹۷)، *مهم ترین کارکردهای عرفانی داستان لیلی و مجنون*، «پژوهشنامه زبان و ادب فارسی»، دوره ۱۲، شماره ۳: صص ۴۷-۷۲.

Hock, Leo, (۱۹۸۱), *lamarque du titre, didpositifs semiotiques*, dune paris: moutors publishers.